

جامعه پس از ظهور

رضیه برجیان

هرگاه تنها و تنها تصویر و تصوّر از جامعه پس از ظهور در ظواهر اشیاء شکل بگیرد و به رفاه و امنیت و... محدود شود، هرگاه روابط حاکم بر این جامعه دیده نشود آنگاه به راحتی می‌توان انتظار داشت و خواست، اما آرامش و امنیت تنها در فضایی شکل می‌گیرد که روابط افراد، هماهنگ با نظام هستی گردد و این هماهنگی نیاز دارد به شناخت میزان، شناخت میزانی که خداوند در زمان خلقت بر پا داشته و همراهی با او، این که نه پیش بیفتی و نه عقب بمانی که «أَلَا تَطْفُوا فِي الْمِيزَانِ».

و این همه نیاز به مقدمه‌ای دارد تا آن‌گاه که وحدتی در اندیشه‌ها شکل بگیرد و گرایش‌ها و نگرش‌ها آن‌گونه که باید پالایش نشود بستر و زمینه لازم حکومت حق فراهم نمی‌شود. چرا که حکومت حق را تنها بر دوش کسانی که رشد یافته‌اند؛ می‌توان بر پا داشت و حکومت پیامبر ﷺ نیز جز همراه با یاورانی که در سختی‌ها آبدیده شده بودند و هماهنگ با پیامبر ﷺ گام برمی‌داشتند استوار شد و نبودن چنین افراد رشیدی امام علی (ع) را در روزی دیگر وادار به سکوت کرد در حالی که می‌فرمودند: صبر کردم، صبری چون خار در چشم و استخوان در گلو.

نسیم

خدیج‌مسادات حسینی

طعم دلتنگی همیشه برایم تلخ بوده؛ اما حالا طعم دیگری دارد؛ تلخ و شیرین. تلخی‌اش را از فراغ مولا به یادگار داریم و شیرینی‌اش را از امید به آمدنش! گفتم امید؛ نسیم خنکی که در غربت آقا که هم‌چون گرمای سوزان می‌ماند، روح انسان را نوازش می‌دهد. امید به آمدنش خون را به رگ‌های زندگی جاری می‌کند. امید آمدنش مانع از کارهایی است که نباید رخ دهند. امید به آمدنش بشارت زندگی عادلانه‌ای را می‌دهد که در سایه‌سار وجودش آشکار می‌شود. جاده‌های جمکران دلم را می‌برد پیش آقا! گویی راه نجات را به آدمی نشان می‌دهد.

امید، امید، امید... واژه‌ای ناب و مثل خود آقا منجی! امید به این که آقا دعايمان می‌کند و از یادمان غافل نیست، آرامشی وصف‌ناپذیر به من می‌بخشد. امید به این که آقا دست‌گذاری‌ام را که به سمتش بلند کرده‌ام، رد نمی‌کند، وجودم را پر از شادی می‌کند.

